

متن سخنرانی

خانم دکتر شیرین عبادی، برنده جایزه عزت و شأن انسانی رولاند برگر،

در مراسم اهدا جایزه در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۰۹ در برلن

جناب آقای رئیس جمهور،

جناب آقای پروفیسور رولاند برگر،

عالیجنابان،

خانم ها و آقایان؛

خوشحالم از اینکه مورد تقدیر و تشویق بنیاد رولاند برگر قرار گرفته ام. افتخار این جایزه از آن همه افرادی است که در ۵۰ سال گذشته برای پیشبرد حقوق بشر و دموکراسی در ایران فعالیت کرده اند.

همچنین مایلم تبریکات خود را به سازمان گزارشگران بدون مرز تقدیم کنم که از سال ها قبل در راه آزادی بیان و عقیده فعالیت می کنند و در کشورهای زیادی از جمله کشور من ایران، خدمات ارزنده ای انجام داده اند. امیدوارم اعطای این جایزه بتواند گامی مؤثر برای پیشبرد اهداف این سازمان باشد.

خانم ها و آقایان

مهمترین اصل در حقوق بشر و اولین پله در دموکراسی، آزادی عقیده و بیان است و البته منظور از آن، آزادی برای مخالفین حکومت است. زیرا بدیهی است که موافقین همواره در مدح و ثنای حکومت آزاد هستند. باید مخالفین آزاد باشند که عقاید خود را به هر صورتی که مایل هستند منتشر سازند

متأسفانه آزادی بیان در بسیاری از کشورها با محدودیت هایی مواجه شده که در نتیجه آن تعدادی از نویسندگان، ژورنالیست ها و مدافعین حقوق بشر به جرم بیان عقاید خود به زندان رفته، تبعید شده و حتی جان خود را از دست داده اند. چنین محدودیتی در کشور من نیز وجود دارد. در ایران چاپ هر کتاب موقوف است به موافقت کتبی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تا کتابی چنین مجوزی را نداشته باشد هیچ چاپخانه ای حق چاپ آن را ندارد و از همه مهمتر آنکه گاهی کتابی اجازه چاپ می گیرد اما دادستان و دادگاه آن را قبول نکرده و ناشر و نویسنده را مجازات می کنند. سانسور در ایران گاه چنان شدید است که انسان را به حیرت

وامی دارد، از جمله طبق قانون مطبوعات، انتقاد از قانون اساسی جمهوری اسلامی در نشریات ممنوع بوده و باعث تعطیلی آن خواهد شد.

بسیاری از سایت های اینترنتی را هم دولت ایران فیلتر گذاری کرده است. از جمله سایت های مربوط به حقوق زنان در ایران، و متأسفانه تاکنون تعدادی از وبلاگ نویس ها در ایران به جرم نوشتن به زندان رفته اند که گرامی می دارم نام و یاد امید رضا میرصیافی، جوانی که به جرم انتقاد سیاسی در یک سایت اینترنتی به سه سال حبس محکوم شد و چند روز پس از آن که به زندان اعزام شد، در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۷۸ به طور مشکوکی جان سپرد. مورد دیگر خانم رکسانا صابری خبرنگار جوانی است که در یک دادرسی غیر عادلانه به هشت سال حبس محکوم شده است.

در چنین شرایطی مهمترین مسأله آن است که اخبار چنین وقایع ناگواری به گوش جهانیان رسانده شود و من از سازمان گزارشگران بدون مرز تشکر می کنم که در این راه ما را یاری کرده اند.

من و سایر همکارانم از سالها قبل کانون مدافعان حقوق بشر را در ایران تأسیس کردیم که ریاست آن بر عهده من است. کانون مدافعان حقوق بشر یک مؤسسه غیردولتی و غیرانتفاعی است که علاوه بر دفاع رایگان از متهمان سیاسی-عقیدتی و حمایت از خانواده زندانیان سیاسی، هر سه ماه یک بار گزارشی از وضعیت نقض حقوق بشر در ایران منتشر می سازد و چون در سه سال گذشته دولت ایران به هیچ یک از گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد اجازه ورود به کشور ایران را نداده است، لذا در دسامبر سال ۲۰۰۸ دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارشی که به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه نمود، به گزارش های این کانون استناد کرد و در نتیجه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ای که صادر کرد، دولت ایران را متهم به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر نمود و توصیه هایی نیز جهت بهبود وضعیت حقوق بشر کرد. چند روز پس از قطعنامه فوق الذکر، دولت ایران دفتر کانون مدافعان حقوق بشر را بست و آن را پلمپ کرد و متعاقب آن عده ای به دفتر وکالت شخصی من هجوم آوردند. از نیروی انتظامی کمک خواستم. چند پلیس به محل آمدند ولی فقط با لبخند نظاره گر اعمال مخرب آنان بودند!

هرچند این اعمال باعث نشده است که من و سایر همکارانم فعالیت خود را کاهش دهیم، اما ادامه فعالیت را برای ما دشوارتر ساخته است و من امیدوارم اعطای این جایزه بتواند ما را در بازگشایی دفتر کانون مدافعان حقوق بشر کمک کند.

متأسفانه تحمل دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال فعالیت های مدافعان حقوق بشر بسیار اندک است و به عنوان مثال می توانم از موکل خود آقای محمد صدیق کبودوند نام برم که به جرم تأسیس انجمن حقوق بشر در کردستان ایران به ۱۰ سال حبس محکوم شده است.

محور اعتراضات من و سایر مدافعان حقوق بشر آن است که چون حکومت ایران به کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر پیوسته و متعهد اجرای آنها شده است، لذا باید رفتار خود و قوانین داخلی را منطبق با معیارهای حقوق بشر اصلاح نماید. به عنوان مثال بعد از تأسیس جمهوری اسلامی ایران مجازات هایی از قبیل سنگسار، قطع دست دزد، تازیانه و اعدام مجرمین کمتر از ۱۸ سال به تصویب رسید و به مورد اجرا گذاشته شد.

همچنین تبعیضات ناروای قانونی باعث پایمال شدن حقوق زنان در ایران شده است. از جمله طبق قانون ارزش جان یک زن نیمی از ارزش جان یک مرد و شهادت دو زن در دادگاه معادل با شهادت یک مرد است و بسیاری قوانین تبعیض آمیز دیگر.

استدلال حکومت جمهوری اسلامی برای اجرای چنین قوانینی تبعیت از شریعت اسلامی است که البته استدلالی است نادرست. زیرا چنین قوانینی در غالب ممالک اسلامی مانند مالزی، اندونزی، مراکش، تونس و تعدادی دیگر سال هاست که منسوخ شده و حکومت جمهوری اسلامی ایران و قانون گزاران وی باید پاسخ گوی این سؤال باشند که آیا فقط آنان قادر به درک و تفسیر شریعت اسلامی بوده و سایر مسلمانان در کشورهای اسلامی راهی به خطا رفته اند؟

خوشبختانه در سال های گذشته پیروزی هایی نیز بدست آورده ایم. از جمله در سال ۱۳۸۳ قانون حضانت به نفع مادران ایرانی اصلاح شد. اما به خوبی واقف هستیم که تا دست یابی به آرمان های حقوق بشری راهی دشوار در پیش رو داریم. ولی نکته مهم آن است که علی رغم مشکلاتی که در ایران با آنها مواجه هستیم، با حمله نظامی و حتی تهدید به حمله نظامی مخالفیم. زیرا حکومت می تواند به بهانه حفظ امنیت ملی، آزادی خواهان را بیش از پیش سرکوب کرده و هر صدای مخالفی را خاموش سازد.

ما شاهد بوده ایم که حمله نظامی به عراق و افغانستان نه تنها نتوانست دموکراسی و حقوق بشر را برای مردم به ارمغان آورد، بلکه باعث از دیاد تروریسم، بنیادگرایی و جنگ های خیابانی نیز شد و قربانی چنین وضعیتی مردم غیر نظامی و بیگناه هستند.

هم اکنون جهان با دو خطر مهم مواجه است - تروریسم و فقر. این دو مانند سلول های سرطانی لحظه به لحظه گسترش یافته و اگر برای آن درمان عاجلی در نظر گرفته نشود، به

زودی شاهد تجدید تجربه قرن بیستم، یعنی فاجعه بارترین قرن بشریت، خواهیم بود. برای جلوگیری از این خطر چاره ای جز شناسایی و تأمین تمامی حقوق بشر برای تمامی انسان ها، فارغ از نژاد، جنس، مذهب، ملیت و وضعیت اجتماعی آنان، وجود ندارد.

به امید آنکه گسترش حقوق بشر بتواند جهان را از پرتگاهی که در لبه آن قرار دارد، نجات دهد.

متشکرم